

پنج چیز است که نسیان را میبرند و در حفظ زیادتی میدهند و بلفم را فانی میسازند مسواک کردن و روزه گرفتن و قرائت قرآن و غسل و کندر.

زبانید پنج چیز از هر د، نسیان
سواک است و صیام است و زقرآن
زیادت مینماید حس انسان
قراوت کردن اندر راه یزدان
چهارم شد غسل و آنکاه کندر
که یابد حفظ انسان زو توفیر
(۳۷۹) خمس من اتی الله عز وجل بهن او بوا حدة منهن او جب له الجنة، من
سقى حامة صادية او اطعم كبدا هافية او کسی جلدة عارية او حمل قدما
حافية او اعتق رقبة عافية - پنج چیز است که هر که بیاید خدای عز وجل را
به آن پنج چیز یا یکی از آنها، واجب میسازد خدا از برای او بهشت را، کسیکه
سیراب کند نفس تشنه میرا یا اطعام کند جگر گرسنه میرا یا بیوشاند برهنه میرا یا حمل
نماید و سوار سازد بابرهنه میرا یا بنده اسیری را آزاد سازد.

کسی کو تشنه می را کرد سیراب
کند یا سیر از نانی گرسنه
بروی او گشود از خرمی باب
پوشد یا لباسی بر برهنه
و یا حافی سوار و شاد سازد
بود در آخرت فرخنده و شاد
شود واجب بهشتی روز میعاد
شود واجب بهشتی روز میعاد
(۳۸۰) خیر النساء من اذا اعطيت شکر و اذا ابتليت صبرت - خوب زنها زنی
است که وقتیکه عطا شد شکر نماید و زمانی که مبتلا شد صبر کند (یعنی با شوهر
سازگار و بقسم خداوند راضی است).

بود نیک زنان آن زن بدنیا
زمان ابتلا باشد شکیبیا
که باشد شاکر اندر گاه اعطا
نیارد زاین به نزد خلق شکوی
(۳۸۱) خیر کم من تعلم القرآن و علمه - خوب شما کسی است که قرآن را بیاموزد
و بیاموزاند.

بود نیک شما آنکس که قرآن
خیر کم خیر کم لاهله و انا خیر کم لاهله - خوب شما کسی است که
برای اهل خود خوب باشد و من به از شما هستم برای اهل خود.

بود اندر شما آن آدمی خوب که باشد بهر اهلی نیک و مطلوب
 منم در این صفت از جمله برتر بی خوشنودی خلاق اکبر.....
 (۳۸۴) خیر الناس من اطعم الطعام - خوب و نیک مردم کسی است که اطعام
 طعام نماید (یعنی به مردم غذا بخورد).

بود آن نیک و شد شایان اکرام که بهر حق نماید خلق اطعام
 (۳۸۴) خلطان کثیراً من الناس فیهما مغبون الصحة والفراغ - دو چیز است که
 بیشتر مردم در آن دو چیز مغبونند صحت مزاج و فراغت خواطر که در هر چه جز
 عبادت خدا صرف شوند عامل آن مغبون است و خسارت برده.

دو چیز است آنکه بسیارند مغبون در آن از مردمان از عالی و دون
 یکی صحت دیگر باشد فراغت نکردد این دو گر صرف اطاعت
 (۳۸۵) خافوا من الله و صلوا الرحم فانها فی الدنيا برکة و فی العقبی مغفرة -
 بترسید از خداوند و صلوة رحم نمایید که در دنیا باعث برکت و در عقبه واجب آمرزش است
 مسلمانان بترسید از خداوند بخویشان از وفا سازید پیوند
 که در آن ازدیاد عمر و مال است به عقبی مغفرت از ذوالجلال است

(۳۸۶) خیر النساء الولود الودود - خوب زنهانی است که زاینده و مهربان باشد
 زنی بهتر ز افراد زنان است که زاینده است و خوب و مهربان است
 (۳۸۷) خیر کم من طال عمره و حسن عمله - بهترین شما کسی است که عمر او
 دراز و عمل او نیکو باشد.

به دنیا آنکه را عمر دراز است عمل نیکو و باب خیر باز است
 بود خوب شما این شخص و برتر بنص گفته پاک پیمبر
 (۳۸۸) خیر الذکر الخفی - بهترین ذکرها ذکر خفی است.

ز اذکاری که شد محبوب داور بود ذکر خفی از جمله برتر
 (۳۸۹) خیر الرزق ما یکتفی - (۱) بهتر رزق آنست که کافی باشد.

(۱) در جامع الاحادیث این خبر با خبر بالا که (خیر الذکر الخفی) باشد متصلاً
 نقل شده است.

چنین گفتا رسول پاک داور
 به دنیا گرچه خوش مال و منال است
 که رزق کافی از هر رزق بهتر
 چه زائد از کفاف آمد و بال است
 (۳۹۰) خیر العبادۃ اخفاها - بهتر عبادت پنهان‌ترین آن است (برای اینکه بعید
 از ریا است و گاهی هم اظهار آن لازم است).

عبادت هر چه شد پنهان نکوتر
 بتصریح شه عالم پیمبر
 (۳۹۱) خیر المجالس اوسعها - بهترین مجالس مجلسی است که وسیعتر باشد.
 ز مجلس‌ها هر آن مجلس که اوسع
 بود او بهتر است و هست ارفع
 (۳۹۲) خیر الناس اقهم للناس - بهترین مردم باسودترین ایشان است برای آنها
 کسی کوهست بهر خلق انفع
 بود نزد خدا در رتبه امنع
 (۳۹۳) خیر کم من یرجی خیره ویؤمن شره - خوب شما کسی است که امید به
 خیر او باشد و مردم از او ایمن باشند.

کسی کو خیر از او امید باشد
 بود خوب شما آن مرد دیندار
 ز شرش ایمنی با دید باشد
 که جز نیکی به مردم نیستش کار
 (۳۹۴) خیر بیوتکم بیت فیه یتیم مکرم - بهترین خانه شما خانه‌یست که در او
 یتیمی مکرم و محترم باشد.
 بود آن خانه بهتر کاندرا آن جا
 یتیمی را به تکریم است ماوی
 (۳۹۵) خیر مساجد النساء قعر بیوتهن - بهترین مساجد برای زنان کنج‌خانه
 ایشان است.

بود بهتر مساجد بهر نسوان
 کنار خانه و سکنای ایشان
 ۳۹۶ خصلتان لیس فی المناق، حسن صمت وفقه فی الدین - در منافق دو خصلت
 نیست خواموشی نیکو و فهم در دین.

بنص سرور ککل خلابق
 یکی شد خامشی بوجه احسن
 دو خصلت نیست در مرد منافق
 دیگر قه است اندر دین ذوالمن
 (۳۹۷) خیر الاخوان المساعد علی اعمال الاخرة - بهتر دوست و برادرها
 کسی است که مساعد بر اعمال آخرت باشد.

تسورا از دوستان آن به ز دنیا
 که باشد یارت اندر کار عقبا
 (۳۹۸) خیر الزاد التقوی - بهتر توشه برای آخرت پرهیز کاری است.

بود پرهیز کاری بهترین زاد
 خوش آنکو گشت از این زاد دلشاد

(۳۹۹) خیر المال عین ساهرة لعین نائمة - بهتر مال چشمی است که بیدار
 باشد برای سود چشمیکه در خواب است - یا مراد اینست که بهتر مال مالی است که
 صرف چشمه روانی شود برای چشمیکه در خواب است.

برای آنکه چشمش هست در خواب
 بود مالی نکو آن چشمه آب

که مردم منتفع کردند از آن
 بماند نام او باقی به دوران

(۴۰۰) خیر امتی الذین اذا سفه علیهم احتملوا واذا جنی علیهم غفروا و

اذا اوذوا صبروا (۱) خوب امت من کسانی هستند که وقتی که بر آنها سفاقتی شد
 تحمل کنند و زمانی که برایشان جنایتی وارد شد بیامرزند و زمانی که اذیت شدند
 صبر نمایند.

کسی نیکو بود از امت من
 به نزد کرد گارحی ذوالمن

که تاب آورد اگر بیند سفاقت
 نماید صبر چون بیند اذیت

رسد بر او اگر از کس جنایت
 کند عفو و رها سازد براحت

(۴۰۱) خالفوا النساء فان فی خلافهن برکت - مخالفت کنیدن زنان را در رأیشان

که در این مخالفت برکت است.

توراگر داد زنی را بی بکاری
 مخالف شو ندارد اعتباری

(باب الدال)

(۴۰۲) دخل العبد الجنة بغصن من شوك علی طریق المسلمین فاماطه عنه

(۱) چون (خیر) که در این روایات وارد است هم بمعنی افضل تفضیلی میتواند
 ترجمه کرد وهم بمعنی مطلق غیر و کار نیک یا شخص خوب چنان که علم الهدی قدس
 سره در شرح (نیة المؤمن خیر من عمله) فرموده و (من) را بمعنی تبسمیش قرار داده از
 این جهت بطوری ترجمه نموده ایم که بایکی از این دو احتمال موافق باشد.